

## اقتصاد غیررسمی، واقعیت ناشناخته‌ای در طرح مسائل زنان روستایی

دکتر خجسته عارف‌نیا

مسئول اداره علوم اجتماعی کمیسیون ملی یونسکو در ایران



مقدمه:

بحرانهای اقتصادی، فقر، رشد بی‌رویه جمعیت، ضایعات زیست‌محیطی، قومی، بالارفتن خشونت و... بعنوان واقعیت‌های گریزناپذیر جهان امروز، مجامع علمی و مراکز قدرت سیاسی - اقتصادی را در سطوح ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی ناگزیر از ارزیابی برنامه‌ها و استراتژیهای توسعه در چارچوب واقعیت‌های ساختاری کشورهای فقیر و در حال توسعه می‌سازد. بسیج همگانی برای سویاسویی با این معضلات، ارزیابی دقیق جایگاه مردم این کشورها اعم از زن و مرد در فرایند توسعه ملی و جدی انگاشتن آنان را در به‌ثمر رسیدن استراتژیهای رشد و توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ضروری می‌نماید. در مطالعات و تحقیقات بیشماری که بدین منظور انجام می‌گیرد<sup>(۱)</sup>، نظریه عدم انطباق اقتصاد کلاسیک و مدل‌های غربی توسعه با ساختار اقتصادی، اجتماعی کشورهای جهان سوم تأیید می‌گردد. مشخص

می‌شود در کشورهایی که ساختار اقتصادی - شغلی آنها به لحاظ تسلط بخش کشاورزی شدیداً تحت تأثیر فعالیت‌های زنان است، آنان در مباحث و برنامه‌ریزی‌های توسعه محلی از اعراب نداشته‌اند و نقش آنان در فرآیند توسعه ملی یا عمده‌اً پنهان مانده و یا سهواً به فراموشی سپرده شده است.<sup>(۳)</sup>

تحقیقات بسیاری طراحی می‌گردد تا مکانیسم‌های این پنهان ماندن و دلایل این نازل شمردن بررسی شود. سازمان‌های دولتی، غیردولتی، منطقه‌ای و بین‌المللی زنان تشکیل می‌گردند تا دولتها و سازمان‌های بین‌المللی را ناگزیر از تجدیدنظر در سیاستها و برنامه‌های توسعه نمایند. سال بین‌المللی زن (۱۹۷۵) و دهه سازمان ملل برای زن (۱۹۷۵ - ۱۹۸۵) سازماندهی می‌شود تا دولتها را متعهد به بهبود شرایط زنان، ترغیب به تأسیس ارگانها یا نهادهای مسئول امور آنان<sup>(۴)</sup> و نهایتاً توصیه به پیوستن به کنوانسیون‌های ضد تبعیض نمایند.

اجلاسها، میزگردها... نشستهای بسیاری از طرف سازمان ملل و آژانسهای تخصصی آن (یونسکو، یونسف، فائو، صندوق جمعیت...) تشکیل می‌گردد تا کل ابعاد توسعه را به بحث گذارند، مفهوم آن را دگرگون سازند و چهره انسانی تری به آن بدهند.<sup>(۴)</sup> توسعه، توسعه انسانی نام می‌گیرد. و در کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین - ژوئیه ۱۹۹۲) «از ارکان اصلی و بنیادی حقوق بشر به شمار می‌آید و دستیابی به آن (...)

الزامی اخلاقی می‌گردد».<sup>(۵)</sup> شاخص جنسیت وارد مطالعات می‌گردد تا به عنوان شاخصی تعیین کننده، روشن سازد که برنامه‌های توسعه‌ای که از طرف سازمان ملل<sup>(۶)</sup> و یا دولتها تا به امروز تدارک دیده شده است، در شناساندن سهم واقعی زنان در فرایندهای توسعه و اثر این فرایند بر زندگی آنان ناموفق بوده است.

این دستاوردها کم‌کم زمینه را برای برگزاری چهارمین کنفرانس ملل متحد برای زنان: (پکن، سپتامبر ۱۹۹۵) که برای، توسعه و صلح نام گرفته است، فراهم می‌سازد: طرح مسائل زنان به شکلی نوین اجتناب‌ناپذیر است.

براساس قطعنامه‌ای که در بیست و هفتمین کنفرانس عمومی یونسکو (اکتبر ۱۹۹۳) در پاریس

به‌تصویب رسیده است. ۵۰٪ (۴) نزدیک به ۵۰ تا ۹۰ درصد زنان کشورهای در حال توسعه در بخش «غیر رسمی» فعال هستند. در این قطعنامه که به‌وسیله یک گروه کاری کارشناسی از زنان کشورهای در حال توسعه تدوین شده و به‌تصویب اجلاس فوق رسیده است، توجه کشورهای عضو به‌روند رو به‌رشد آسیب‌پذیری زنان فعال در بخش «غیر رسمی» و زنان سرپرست خانوار، در شرایط بحرانی اقتصاد جهانی که از ویژگیهای بارز آن گسترش «اقتصاد غیررسمی» در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه است، جلب شده است. یونسکو برای مقابله با این وضعیت خطیر بخش اعظم زنان جهان یعنی زنان کشورهای جهان سوم و بویژه زنان روستایی که وجه مشترک اکثریت آنها فقر و بی‌سوادی است (۸)، بررسی این مسئله کلیدی و بنیادی توسعه منابع انسانی را در دستور کار کنفرانس پکن (۱۹۹۵) می‌گذارد. تصویب این قطعنامه وظیفه یونسکو را به‌عنوان سازمان فرهنگی، علمی، تربیتی ملل متحد در تدوین استراتژیهای جدیدی از آموزش که منطبق بر نیازهای واقعی و اساسی این زنان باشد، خطیرتر کرده است؛ روشهای جدیدی از آموزش که بتواند مهارتهای حرفه‌ای این زنان را ارتقا بخشد، ابتکار عمل را در آنها تقویت نماید، آنها را از حاشیه بخش «غیررسمی» و «اقتصاد کلان» به‌سوی مرکز سوق دهد و جایگاه واقعی و اصولی آنان را در فرایند توسعه تعیین نماید. از این رو این سازمان تشکیل و تقویت شبکه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی تحقیقات در زمینه نقش زنان در بخش «غیر رسمی» را به‌منظور شناسایی موانع و مشکلاتی که زنان را ناگزیر از تن دادن به کار طاقت‌فرسا و بدون دستمزد... می‌نماید و شناساندن وجوه قانونی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این معضلات به‌برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را، در برنامه آینده خود قرار می‌دهد.

### بخش غیر رسمی: مفهومی ناشناخته و سؤال‌برانگیز

مفهوم بخش «غیررسمی» در واژه‌شناسی تحلیل‌گران مشاغل و توسعه، نسبتاً جدید است و به سالهای ۱۹۷۰ برمی‌گردد. در این سالها برنامه‌ریزان و سازمانهای بین‌المللی نظیر سازمان جهانی کار و بانک

جهانی متوجه شدند که روشها و ابزارهای کلاسیک آماری، کل واقعیت اقتصاد و اشتغال کشورهای فقیر و در حال توسعه را پوشش نمی‌دهند. مفاهیم کاربردی قادر به تعریف و طبقه‌بندی کل جمعیت فعال این کشورها نیست و بخشی از تولیدات این کشورها یعنی تولیدات بخش «غیررسمی» از دید برنامه‌ریزان به دور می‌ماند. ابزارهای آماری و مفاهیم کاربردی در این کشورها مشکل ایجاد کرده و به تبع آن مدل‌های توسعه نیز خود به خود سؤال برانگیز می‌شوند.

متخصصان امور اقتصادی به‌ارزیابی سیاستهای اقتصادی این کشورها جلب می‌شوند. بررسیها<sup>(۸)</sup> نشان می‌دهد که راه‌حل پیشنهادی برای مقابله با سوء کارکرد اقتصاد (پایین بودن سطح تخصص و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای، تولید نسبتاً پایین، ضعف تجهیزات، بیکاری پنهان و مزمین و...) صنعتی شدن، توسعه بخش مدرن و معادل ساختن شغل با تخصص و مهارت‌های حرفه‌ای است فرض بر آن است که صنعت و بخش مدرن، کارگران مازاد بر بخش کشاورزی و صنایع دستی را خوب می‌کند و پوشش می‌دهد، تراکم سرمایه‌ها و پس‌اندازها به تقویت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال می‌انجامد. اما عملاً این فرضیه به‌اثبات نمی‌رسد. سرمایه‌گذارها به‌جای اشتغال‌زایی، به‌سوی توسعه تجهیزات، توانمند کردن تولیدات و افزایش بهره‌مندی جهت می‌گیرد، سودبری به‌معنای واقعی کلمه هدف سرمایه‌گذارها اعم از خصوصی، صنعتی، ملی یا خارجی می‌شود، جمعیت افزایش می‌یابد و مهاجرت روستاییان به شهرها شتاب می‌گیرد، جمعیت مازاد بر کارکنان بخش مدرن در مجموعه فعالیت‌های سرشماری نشده گرد هم می‌آیند و درآمدهای خود را با این تازه از راه رسیدگان تقسیم می‌کنند و از دید دستگاه آماری پنهان می‌مانند. بدین ترتیب ملاک‌هایی که قبلاً مدرن را از سنتی و شهری را از روستایی تفکیک می‌کرد اعتبار خود را از دست می‌دهد. دیگر شغل را نمی‌توان با تکیه بر معیار تقسیم وظایف و تخصص تعریف کرد. در این جوامع تحلیل سلسله‌مراتب نقش‌های اجتماعی ضرورت می‌یابد. بویژه که در برخی از آنها بیمه‌های اجتماعی وجود نداشته و کارکنان حقوق‌بگیر در اکثریت نیستند. لذا شغل نمی‌تواند از درآمد جدا باشد،... بدین ترتیب بخش «غیر رسمی» به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی نظر محققان و کارشناسان امر

اقتصادی را به‌خود جلب می‌کند؛ بخشی که می‌تواند به‌نیازهای اساسی مردم پاسخ گوید، بر سرمایه‌گذاری کم اشتغال‌زا باشد و به‌لحاظ کارکردهای «آموزشی»، توزیع درآمد، نقش «تکنولوژی» و همچنین به‌خاطر ظرفیت بالایی که در گسترش بازارهای داخلی دارد، موقعیتی استراتژیک یابد «موجودیت بخش غیررسمی تجدیدنظر در برخی دیدگاهها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد: اقتصاد متمرکز بر خود که شغل و درآمد را برافزایش تولید رجحان می‌دهد و دیدگاهش بیشتر مبتنی بر تقاضا است. تا عرضه شغل، بر اقتصاد برون‌گرا پیشی می‌گیرد.

توسعه یک «اقتصاد غیررسمی» به‌موازات اقتصاد رسمی و گاه خارج از بخش مدرن توجه کارشناسان امور اقتصادی و سازمانهای بین‌المللی کار و بانک جهانی را معطوف به‌این بخش می‌کند و تحقیقات را متوجه آن می‌نماید، موضوع بحثها و جدلهای بسیاری می‌شود. و از آن به‌بعد واژه‌هایی نظیر «بخش و مشاغل» «Secteur et emploi informel»، «بخش غیرمتشکل» «Secteur non structure»، «بخش اقتصاد بازار» «economie de bazar»... در ادبیات اقتصاد و توسعه ظاهر می‌شوند.

دیدگاه دوگانه‌نگر (Dualiste) ملاکهای تکنیکی و اقتصادی، ملاکهای سازماندهی، کار، درآمد را به‌کار می‌گیرد تا بتواند از فعالیتهای این بخش حوزه‌ای همگن بسازد. دیدگاه سیستمیک (Systemique) ملاکهای ارزش مصرف، ارزش مبادله کارهای کمکی (صنعت، خدمات، کشاورزی، خانگی) را در ارائه یک تعریف از بخش «غیررسمی» مؤثر می‌داند.<sup>(۱۰)</sup>

ناهمگنی، پراکندگی، پیشگیری فعالیتهای این بخش و ارتباط برخی از آنها با بخش مدرن بر تشتت و اختلاف‌آرا دامن می‌زند و سوالاتی را برمی‌انگیزد که تاکنون بدان پاسخ داده نشده است.

آیا بخش غیررسمی را می‌توان با همان مفاهیم و ابزارهای معمول اقتصادی بررسی کرد؟

محدودیت‌های این اقتصاد در مطالعه جوامع توسعه نیافته و صنعتی نشده کدامهاست؟

چگونه می‌توان به‌ویژگیهای ساختاری این بخش پی‌برد؟

از مطالعات انجام شده<sup>(۱۱)</sup> برمی‌آید که مفاهیم بنیادی فعالیت اقتصادی، فعالیت غیراقتصادی،

کار، کار تولیدی غیرتولیدی، تقسیم کار، نقش وظایف و... نیاز به‌بازنگری و تعاریف مجدد دارند. این مطالعات برای جبران نبود و یا کمبود اطلاعات و داده‌های آماری و تحقیقاتی از روشهای مونوگرافی و میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. هدف مطالعه آنها فقط به‌سرشماری‌های دقیق و مجدد فعالیتهای زنان، شناسایی فعالیتهای جانبی و ثانوی آنها، ارزیابی زمان اختصاصی داده شده به‌فعالیت، تدوین تقویم و جدول فعالیتهای روزانه آنها در خانه، مزرعه، بازار، کارگاه، محدود نشده است، بلکه ویژگیهای شرایط شغلی آنان، نحوه تقسیم‌کار، نقشهای اجتماعی و اقتصادی، میزان دسترسی به ابزارهای تولید، امکانات آموزشی، بهداشتی... و اوقات فراغت زنان روستایی را نیز موردنظر قرار داده‌اند.

### نقش زنان روستایی در بخش غیررسمی:

در پاسخ به این سؤال که زن روستایی کیست؟ یکی از متخصصان آموزش بزرگسالان در کشور زیمبابوه می‌گوید<sup>(۱۲)</sup>: زنی آفتاب سوخته، که پسر بچه‌ها و دختر بچه‌های بسیاری او را احاطه کرده‌اند، غالباً باردار است؛ کوزه‌ای از آب بر سر، کوله‌ای هیزم بر پشت و فرزندی یا بر بغل دارد یا بر شکم، فقط زبان مادری و آبا و اجدادی خود را تکلم می‌کند، زبان رسمی را نمی‌شناسد، نه خواندن بلد است و نه نوشتن؛ برای گذراندن امور خانه یا اصلاً پولی ندارد و یا مقدار آن بسیار ناچیز است، به‌خدمات بهداشتی و اجتماعی دسترسی ندارد؛ همسرش را به‌ندرت در خانه می‌بیند زیرا وی بیکار است و غالباً جویای کار....

این چهره زن روستایی کشور زیمبابوه، چهره بخش عظیمی از جمعیت زنان روستایی را در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه به‌یاد می‌آورد که در فقر مهلک و در بی‌سوادی مزمن به‌سر می‌برند. تعداد آنها به‌بیش از نیم میلیارد نفر<sup>(۱۳)</sup> می‌رسد که هر روز به‌شیوه‌ای خستگی‌ناپذیر برای بقای خود و خانواده مبارزه می‌کنند. این زنان نیروی عظیم کار «بخش غیر رسمی» را تشکیل می‌دهند. سهم آنان در تولیدات کشاورزی سنتی بسیار حائز اهمیت است: کمیسیون اقتصادی ملل متحد در افریقا (۱۹۸۹)<sup>(۱۴)</sup>، سهم این زنان را در تولید مواد غذایی ۸۰ درصد و در تولیدات کشاورزی  $\frac{۳}{۴}$  کل تولیدات

افریقا برآورد می‌کند. برطبق همین منبع زنان این قاره ۳۰ درصد از کارهای مربوط به شخم زدن، ۵۰ درصد از کاشت، ۶۰ درصد از برداشت، ۵۰ درصد از دامداری، ۷۰ درصد و جین کردن، ۸۵ درصد تهیه و ذخیره مواد غذایی و علاوه بر آن ۹۵ درصد از کل کارهای خانگی را به‌عهده دارند. مطالعه دیگری «ارزیابی سهم زنان در برنامه‌ریزیهای توسعه»<sup>۱۵\*</sup> (مورد نیجریه ۱۹۸۹) سهم زنان این کشور را در تولید ناخالص ملی در بخش روستایی ۳۶ درصد و در تولیدات کشاورزی ۸۰ درصد برآورد کرده است. باید یادآوری شود برطبق همین منبع بخش روستایی به‌تنهایی ۴۳ درصد تولید ناخالص ملی نیجریه را به‌خود اختصاص می‌دهد که با توجه به تأخیر مستقیم این بخش بر دیگر بخشهای تولید سنتی غیرشهری، این سهم به ۵۵ درصد تولید ناخالص ملی می‌رسد. سهم زنان در تولیدات شاخه‌های مختلف بخش غیررسمی (کشاورزی، صنایع دستی، مرغداری و دامداریهای کوچک، فعالیتهای کوچک تجاری) برحسب مناطق مختلف در مطالعه فوق بررسی شده است. به‌عنوان نمونه در منطقه مارادی (MARADI) سهم زنان در تولید عسل ۳۵ درصد، پسته ۴۲ درصد و ذرت خوشه‌ای ۲۸ درصد از کل تولید است<sup>۱۶</sup>. صنایع دستی (سفالگری، سبد و زنبیل‌بافی، چرم‌سازی و...) فعالیت بیش از ۵۰ درصد زنان نیجریه را تشکیل می‌دهد. دامداریهای کوچک و مرغداریهای خانگی. اشتغال غالب زنان روستایی است که ۸۰ درصد کل جمعیت زن نیجریه را تشکیل می‌دهند. فعالیتهای کوچک تجاری مرتبط با خرید و فروش مواد غذایی در بازارهای محلی ۵۰ درصد کل فعالیتهای تجاری بخش غیررسمی زنان نیجریه را در برمی‌گیرد.

خیل عظیم زنان فعال در بخش غیررسمی روستایی آسیا نیز از دید محققان بدور نمانده است. مطالعه «ادغام زنان در برنامه‌ریزیهای توسعه: نقش مهارتهای سنتی»<sup>۱۷</sup> (مورد هند - ۱۹۸۹) زنانی را که در بخش غیررسمی هند فعال هستند ۸۹ درصد کل زنان این کشور برآورد می‌کند\* و فعالیت آنها را در ۸ حوزه مشخص می‌سازد.

۱ - کشاورزی و فعالیتهای مرتبط با آن

۲ - تولید فرآورده‌های لبنی\* ۲

۳ - مرغداری و دامداریهای کوچک

۴ - ماهیگیری

۵ - پرورش کرم ابریشم<sup>۳۰۰</sup>

۶ - صنایع دستی

۷ - بافندگی

۸ - تولید Khadi (خادی) پارچه‌های ضخیم و صنایع دستی

اما در ارتباط با کشورهای عربی «زنان و بخش غیررسمی در تونس»<sup>(۱۸)</sup> (۱۹۸۹) به عنوان نمونه فعالیت زنان را در بخش کشاورزی بررسی می‌نماید. برطبق این منبع نزدیک به ۸۰ درصد از زنان فعال در تونس، کارگران کشاورزی هستند\* که در سه شاخه زیر فعالیت می‌کنند:

۱ - کارهای کشاورزی که در تولیدات تجاری وارد می‌شود؛

۲ - کارهای خانگی که مکمل درآمد خانواده محسوب می‌شود؛

۳ - کارهای کشاورزی با دستمزد (کارگران کشاورزی) در زمینهای خصوصی یا

خالصه

در مطالعات امریکای لاتین « مشارکت زنان کلمبیا در اقتصاد شهری»<sup>(۱۹)</sup> (۱۹۸۹) یک نمونه از سری فعالیتهایی است که سعی در نشان دادن مکانیسمهای «پنهان ماندن» فعالیتهای اقتصادی زنان از دید دستگاه آمارهای رسمی و محاسبات ملی دارد. این مطالعه با بررسی شاخه‌های مختلف بخش غیررسمی و طبقه‌بندی مشاغل شهری، تسلط بخش رسمی را بر اقتصاد و بازار کار شهرهای مختلف کلمبیا نشان می‌دهد. برطبق این تحقیق، بیش از نصف مشاغل شهرهای بزرگ و کوچک را مشاغل غیررسمی تشکیل می‌دهند: این منبع زنان فعال در بخش غیررسمی را در سال ۱۹۷۴، ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۴، ۶۰ درصد و در سال ۱۹۸۷، ۶۵ درصد گزارش می‌کند که حاکی از رشد ۱۰ درصد آن در یک دوره ده ساله است.



### تقسیم ناعادلانه کار و درآمد: ویژگی بخش غیررسمی

در «اقتصاد غیررسمی» مناسبات و روابط مرد / زن برحسب سلطه تعریف می شود و تقسیم کار در خانه، مزرعه، کارگاه بازارهای محلی شهری و روستایی، تعاونیها و... شدیداً از آن تأثیر می پذیرد. اقتصاد کلاسیک کلیشه، و پیش داورهای جنسی حاکم، بر فضای «اقتصاد غیررسمی» دامن می زند و به آن توجیهی «علمی» می دهد. مطالعه نحوه تقسیم کار درباره ۳۰۵ کشاورز منطقه مرکزی تونس (۲۰۱) (Siliana) نفوق و برتری مرد را در کشاورزی سنتی به نمایش می گذارد: مرد به سبک «نجیب زادگان» بسیار کم کار می کند، بسیار نظاره گر است و کل محصولات از آن اوست. در این تحقیق می خوانیم:

«مرد ایستاده شخم می زند و کشت می کند، زن خمیده و دولا درو می کند و خوشه می چیند. در باغهای زیتون مرد شخم می زند، درختان را هرس می کند، روی نردبان می نشیند و زیتون ها را می چیند. زن خمیده شاخه ها را جمع آوری می کند. آنها را در طشت می ریزد. زیتون ها را جدا می کند. مرد در اول و آخر فرایند تولید قرار دارد حرف اول و آخر را او می زند! زن مزرعه را ترک می کند تا به کارهای خانه برسد: شستشو، پخت و پز، صیفی کاری، مرغداری، بافندگی و...»

در سرشماری ها، در آمارها «فعال» شوهر است. زن «خانه دار» است و به شوهرش نیز کمک می کند! در شهر دور از مزارع، زن گندم و خمیر را به نان تبدیل می کند، نان می پزد و غذا را آماده می کند. زن وظیفه طبیعی خود را انجام می دهد. کارهای او خانگی شمرده می شود. شوهرش در بازار برای مشتریها غذا می پزد و آشپزی می کند. او یا آشپز است یا رستوران دار. همانگونه که مردی که نان می پزد، نانو است. کار زنان در زمره کارهای خانگی ثبت می شود. در آمارها نمی آید و باید مجاناً انجام شود. کار مرد فعالیت اقتصادی است و درآمد قانونی دارد.

زن پشم را می زند و می ریسد. مرد آن را با دستگاه می بافد. زن پشم را می بافد، مرد فرم نهایی به آن می دهد زن کارهای تدارکاتی و آماده سازی را انجام داده است. مرد ارزش اضافی را به خود اختصاص می دهد. او صنعتگر است زن فقط به او کمک می کند!

زن به تنهایی قالی می‌بافد. مرد قالی را می‌فروشد و تجارت می‌کند.

زن می‌بافد، می‌دوزد. قلاب می‌زند، گلدوزی می‌کند و آن را به مشتریان می‌فروشد. زن به درآمد

خانه کمک کرده است. کار او خانگی است، در اقتصاد سهمی ندارد. پس از آن نیز سهمی نمی‌برد.»

در یک بررسی تطبیقی در مورد شرایط کار زنان و مردان در هند<sup>(۳۱)</sup> می‌خوانیم: «طبیعت کار زنان»

بخشهای مختلف تولیدی (کشاورزی، مواد غذایی، دامداری، صنایع دستی و...) بسیار متفاوت از طبیعت

کار مردان است. کار زنان غیر دائم، پراکنده، متفرقه و حاشیه‌ای است. که با دوره‌های کاری تعیین شده برای

کارگران مرد مطابقت ندارد. زنان خیلی کمتر از مردان امکان کار در بخش کشاورزی را دارند. (۱۰۰ تا ۱۲۰

روز در سال در مقابل ۱۵۰ تا ۲۰۰ روز در سال برای مردان). کار این زنان از دید مسئولان نوعی خود

اشتغالی محسوب می‌شود که برنامه‌ریزی خاصی را نمی‌طلبد. برای یافتن کار، زنان با مشکلات بسیاری

روبه‌رو می‌شوند. چون هیچ‌گونه قراردادی کاری با کارفرما ندارند و همیشه در معرض بیکاری هستند. آنها

کار را تدارک می‌بینند، کلیه مراحل آن را انجام می‌دهند، هیچ نقشی در تصمیماتی که برای محصولات

گرفته می‌شوند، ندارند...»

در افریقا کارهای انرژی‌بر و پرمشقت به زنان محول می‌گردد. آنان از مالکیت ابزار تولید محرومند.

«نقش زنان در بخش غیر رسمی افریقا»<sup>(۳۲)</sup> (مورد نیجریه) این موضع را روشن می‌سازد. در شرایط بحران

انرژی یا کمبود جدی مواد سوختی و خشکسالی، تهیه و ذخیره آب، کوبیدن خرمن، کوبیدن انواع

حبوبات برای پخت و پزهای خانگی، استفاده از کود حیوانات بجای مواد سوختی برای آشپزی... از

وظایف طبیعی زن محسوب می‌گردد.

محرومیت کل زنان کشاورز سنگال از مالکیت زمین از آنان کارگران بی‌جیره و مواجب ساخته

است. کتاب «زنان در جهان سوم»<sup>(۳۳)</sup> در این باره می‌نویسد: در سال ۱۹۷۹ هیأت مسئول توسعه مناطق

میانی دره سنگال SAED تصمیم گرفت که یک فرعه‌کشی برای کشاورزان ترتیب دهد به طوری که آنها

بتوانند در سهم شدن زمینهای اطراف دره که شبکه‌های آبیاری در آنها طرح‌ریزی شده بود، شرکت کنند.

این امر با مشکل روبه‌رو شد. زیرا زنان نمی‌خواستند به نام خود مالک قطعه زمینی شوند، راه‌حل نهایی برای فقیرترین زنان، انتخاب یک نام مستعار - نام فرزند پسر یا نام یکی از وابستگان متوفی - بود تا بتوانند در قرعه‌کشی مزبور شرکت کنند.

زنان حتی حق کشت محصولات قابل فروش را در ملک شوهر خود ندارند. کشت محصولات قابل فروش به وسیله زنان توازن حاکم بر زمینه وظایف و الزامات را به هم می‌زند و از اعتبارات و قدرت مردان می‌کاهد. بدین‌گونه است که زن محکوم به کشت محصولات مصرفی خانواده، از مدار اقتصادی خارج می‌ماند و از دسترسی به تعاونیها و دریافت وام بی‌نصیب!

زن فعال در بخش غیررسمی، زنی است فاقد مهارت‌های حرفه‌ای، محکوم به انجام کارهای حاشیه‌ای، تدارکاتی، مشقت‌بار، بسیار طولانی (گاه ۱۶ ساعت در شبانه‌روز)، بدون دستمزد، یا با دستمزد بسیار ناچیز، بدون بیمه‌درمانی، بدون بیمه از کارافتادگی، بدون مرخصی استعلاجی یا مرخصی سالانه، بدون بازنشستگی و خلاصه بدون امنیت شغلی. کلیه فعالیتهای او در زمینه تولیدات سنتی کشاورزی، صنایع دستی، پرورش طیور، ماهیگیری، باغداری، صیفی‌کاری، پرورش کرم ابریشم و فعالیتهای کوچک تجاری در زمره کارهای خانگی و کمک به معاش خانواده طبقه‌بندی شده، در هیچ یک از آمارها و شاخصهای مرتبط به فعالیتهای اقتصادی و تولیدی ثبت نمی‌گردد. فرض بر این است که این فعالیتهای ارزش مصرفی دارند و فاقد ارزش تجاری هستند. فعالیتهای پول‌ساز و درآمدزانیستند و جایی در اقتصاد ملی ندارند. در مقابل این بینش چند سؤال مطرح می‌شود.

- آیا در جوامعی که کشاورزی در اقتصاد آن اهمیت بسزایی دارد و تولیدات غیرتجاری، خانگی و کار به صورت خانوادگی انجام می‌گیرد و خانواده یک واحد تولید است. اعطای امتیاز دوگانه به تولیدات تجاری و مشاغل با دستمزد (۲۴) (حقوق بگیران)\*، به کم بها دادن و یا بی‌ارزش جلوه دادن تولیدات و فعالیتهای کشاورزی زنان منتهی نمی‌شود؟

- آیا پنهان ماندن ارزش واقعی این کارهای به اصطلاح «خانگی» از نظر اقتصادی خود دلیل

بی‌ارزش جلوه دادن این فعالیتها که برخی آن را «کارهای زنانه» می‌نامند و مردان را از انجام آن برحذر می‌دارند، نیست؟

- آیا نباید عاملان و مدافعان تز سنتی «تقسیم کار بر مبنای جنسیت» را در بین ورشکستگان اقتصادی جستجو کرد؟ کسانی که با اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی بر بیفکری و تورم دامن زده و هر نوع برنامه رشد و توسعه را با برداشتی انعطاف‌ناپذیر از «مرد تولید کننده» و «زن خانه‌دار» طراحی و تدوین می‌کند.

- آن بینشی که هر نوع فعالیت اجتماعی - اقتصادی از چارچوب سنتی پدرسالارانه را که در آن قلمرو زن و مرد به تفصیل مرزبندی شده است. نقض ارزشها می‌شمارد. ارزشهایی که بر اساس آنها قلمرو اندرونی قلمرو زن و قلمرو بیرونی جولانگاه مردان (و کلاً در انحصار آنان) تعیین شده است و «هر نوع تداخل بین این دو بخش مجموعه‌ای از سنتها، شدیداً تحت نظارت و کنترل قرار می‌گیرد»<sup>(۲۵)</sup> بدین ترتیب نقش سنتی که در اندرون خانه به زن احاله می‌گردد، نقشی زیستی، اجتماعی است که در حکم مانعی برای دست‌یابی زنان به آموزش و کسب مهارت‌های شغلی عمل می‌کند. نقشی که همچنان زنان را در زنجیره وابستگی شدید به مرد (پدر، برادر، شوهر، پسر...) باقی نگه می‌دارد. این وضعیت برای آن دسته از زنانی که علاوه بر محرومیت‌های ناشی از نداشتن حق مالکیت زمین، حق دریافت وام، حق بهره‌مند شدن از کمک‌های فنی و کارشناسی... بدون برخورداری از حق سرپرستی مسئولیت اداره خانواده را به لحاظ مهاجرتهای برون‌ی و درونی شوهرانشان به‌دوش می‌کشند و مراتب دشوارتر است.<sup>(۲۶)</sup> این زنان یک سوم زنان جهان را تشکیل داده و روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌گردد. طبق برآوردهای ۱۹۸۹ نسبت این زنان در افریقا و آمریکای لاتین به ترتیب زیر است:

### زنان سرپرست خانوار

افریقا	امریکای لاتین			
سودان	۲۲ درصد	جامایکا	۳۴ درصد	کل زنان کشور
غنا	۲۷ درصد	پرو	۲۳ درصد	//
کنیا	۳۰ درصد	هندوراس	۲۲ درصد	//
مالی	۲۹ درصد	ونزوئلا	۲۰ درصد	//

نابرابریهای حاکم بر فضای «اقتصاد غیررسمی» با اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان سوم تشدید شده است. مشکلات ناشی از فشارهای اقتصادی بردوش زنان فعال در «بخش غیررسمی» و زنان سرپرست خانوار بویژه در مناطق روستایی سنگینی می‌کند و محرومیت آنان را مضاعف ساخته است. جهت‌یابی اقتصاد به سوی صادرات، کشاورزان را ناگزیر از کشت محصولات پردرآمد کرده، از ارزش کار تولیدی آنها در بخش سنتی و کشاورزی معیشتی به شدت کاسته است. افزایش قیمتها نه به معنای افزایش درآمد برای آنان، بلکه به معنای افزایش ساعات کار و اختصاص وقت بیشتر به کارهای تولیدی و درآمدزا و اختصاص وقت کمتری به امور «خانگی» یعنی رسیدگی به امور بهداشتی، تغذیه‌ای و تربیتی اعضای خانواده بوده است.

بنابراین بجاست، همچون دهه هفتاد به بخش «غیر رسمی» به مشابه یک عنصر سؤال برانگیز درباره اقتصاد و جامعه در کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه نگریسته شود.

گسترش بخش «غیررسمی» در کشورهای جهان سوم را باید به زعم برخی از کارشناسان (۲۷) «به عنوان یک واکنش مردمی در تأمین بقای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تلقی کرد تا یک خطای اقتصادی».

سؤال نهایی این است که آیا نباید به‌هنگامی که اقتصاد نمی‌تواند تمامی یک جامعه را پوشش دهد به‌بخش «غیر رسمی» به‌عنوان یک گزینه نگرست؟ بخشی که بر نیازهای واقعی انسانها متمرکز است و آن را با استفاده از امکانات موجود و بکارگیری «تکنیکهای» متجانس و سازگار محلی پاسخ می‌گوید و حافظ روابط و همبستگیهای اجتماعی است.

این سؤال را در چارچوب اقتصاد جهانی امروز چگونه باید مطرح کرد؟

پاسخ کارشناسان امور اقتصادی و برنامه‌ریز کشور ما به این سؤالات چیست؟ ساختار اشتغال در

کشور ما چگونه است؟ آیا این مسئله در کشور ما طرح شده است؟ اگر نه، چرا؟ و اگر بله، چگونه؟



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

۱. نگاه کنید به کتاب شناسی تحلیلی نقش زنان روستایی در توسعه، ص ۵۱ - ۵۲ - ۵۸ به خصوص:
- 1-1. Victims of old Fashioned Statistics». Rome, FAO Review on Agricultural and Development, 75 (1980) P. 29-32.
- 1-2. Unesco, Women in rural production Aystemo: Problems and Policies (Pasis. Unelco, 1982)
2. Women in Development: the Issues. Washington, D.C.: World Bank, n.d.
3. Unesco. Etude aur la prise en compte de la composante femme dans la planification du developpement ou Niger, SHS 89/WS4. Paris: Unesco, 1989. P. 17.
۴. این مفهوم در سالهای ۱۹۵۰ «توسعه جامع»، در سالهای ۱۹۶۰ «توسعه درونزا»، در سالهای ۱۹۹۰ توسعه پایدار و در سالهای اخیر «توسعه انسانی» خوانده شده است.
5. Unesco. Sommet mondial foun le developpement Docial (Pasis: Unesco, 1994) P. 7.
6. Rao, Aruno; Anderson, Mary B.; Overholt, Catherine A. Gender Analysis in Development Planning. U.S.A. Kumarian Press Inc.,
7. UNESCO. Resolution 27 C/DR, I S P
8. UNESCO. L'dutne Tiss Monde les femmos mulacs facia l'alphahetiane 1990, p. 89
- UNESCO. Le Seatens infonel. quelh place paon lsa femmes cas de la Tnnisie P.16-17
۱۰. بررسی اطلاعات بیشتر درباره ملاکهای مورد نظر دو دیدگاه Dmailate و systemiqne نگاه کنید به صفحات ۴۰ - ۳۷ منبع شماره ۹
۱۱. نگاه کنید به کتاب شناسی ضمیمه یونسکو در زمینه زنان و بخش غیررسمی.
۱۲. «زنان روستایی و نحوه دستیابی به آموزش» عنوان یک گردهمایی است که از طرف یونسکو در زمیماه در ژوئیه ۱۹۸۹ تشکیل می‌گردد. نگاه کنید: ص ۲۱ منبع شماره ۸
۱۳. ص مقدم UNESCO. L'antu Tiess Mond...
14. Commiesion economine du Nations Umnio L'Afrique, Genexe, United Nations Non - gounsnetel Liaion asiuce, 1989.
- UNESCO. SHS - 89/IVS - 4. S.10
۱۶. منبع شماره ۱۵ ص ۱۰
17. unesco les setor informel quelle lace pour les femmes, Paris USNESCO,1989) P.29
18. UNESCO - SHS - 90/WS:8 P - 29
19. UNESCO Les Secteur informel: I bid 54 - 56
20. UNESCO 89/WS/8 - P.41

21. UNESCO. Tude sur laprie. SHS - 89 - Ws - 4, (IRID), P-56
22. J. Bissilat [et al] Fanina du tiess Monde (Fasio: le Sycomose, 1983)
23. Las Fammes daws lagnicuthue Tmnieueine, sud, 1985.
24. F. Mermisi. Saye, Ideologie, Iolam (Pauis, Tiece, 1983)
25. UNESCO. Women in the village, man in the towm (faun unescas, 1984).
26. Le Secteus infasmel: an Concant conteste denolution inadazteso... Revue, Tiase, Monde, 1987.

## پانوشت

### \* Informal Secteur - Secter Informel

• در این مطالعه بخش غیررسمی عبارت است از مجموعه فعالیتهای اقتصادی که در محاسبات ملی منظور نگشته اند. تعریف مدیریت آمار و انفورماتیک وزارت برنامه نیجریه.

۱ • در این مطالعه بخش غیررسمی به عنوان بخشی در نظر گرفته شده است که فاقد هر نوع قانون کار در زمینه دستمزد و مرخصی استعمالچی، زایمان، مراقبت از مادر و نوزاد، بیمه درمانی و... است و از ویژگیهای آن طولانی بودن ساعات کار، سطح نازل و دانش فنی و دستمزدهای بسیار پایین است.

۲ - ۲۵ میلیون زن هندی در تولیدات فرآوردههای لبنیاتی فعالیت می کنند.

منبع: Manorama Year Book 1985

• ۳ - هند پس از چین دومین تولیدکننده جهانی پارچه های ابریشمی است و ۱۱٪ کل تولید جهانی ابریشم را به خود اختصاص می دهد.  
• در این مطالعه: بخش غیر رسمی عبارت است از مجموعه فعالیتهای پولی که در آمارهای کلاسیک و محاسبات منظور نشده است. نگاه کنید به:

J. Charmes, Le Secteur non structure et l'economie du developpement.

F. S. E. G., 27. 28 Avril 1983.

• بر طبق آمارهای رسمی ایران در سال ۱۳۷۰ از ۳۸ میلیون و ۶۶۵ هزار نفر جمعیت ده ساله و بیشتر، نزدیک به ۲۰ میلیون نفر مرد و ۱۸ میلیون و ۶۵۵ هزار نفر زن بوده اند. بر طبق همین منبع، تعداد مردان شاغل ۱۱ میلیون و ۸۶۵ هزار نفر و تعداد زنان شاغل ۱ میلیون و ۳۳۰ هزار نفر گزارش شده است. نرخ اشتغال برای مردان ۶۰ درصد (۶ درصد جویای کار) و برای زنان ۶/۷ درصد (۲ درصد جویای کار) گزارش شده است.

برگرفته از مصاحبه مجله زن روز با کارشناس مرکز آمار ایران - «زن روز» شماره ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸، آذر ۱۳۷۲.